

مبانی نظری مراحل سیر و سلوک در مشرب الارواح روزبهان بقلی

الهام سیدان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

چکیده

روزبهان بقلی در مشرب الارواح، طرحی جامع در باب منازل سیر الی الله ارائه می‌دهد. هرچند او در دیگر آثار خود به صورت پراکنده مطالبی را در باب مراحل سیر و سلوک عرفانی مطرح کرده است، در این کتاب به آرای پراکنده خود در این زمینه نظم و سامانی می‌بخشد. روزبهان بین بنده و حق، هزار مقام در نظر می‌گیرد و به تشریح جزئیات آن می‌پردازد. تمامی مقام‌هایی که وی در مشرب الارواح از آن یاد می‌کند، از یک نوع نیست. مقام از منظر او معنایی گسترده و فراگیر دارد و منحصر به منازل سیر الی الله نیست. پیش از روزبهان نیز این دیدگاه در بین عرفا مطرح بوده است که

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. elhamsaiedan@yahoo.com

بین بنده و حق، هزار مقام وجود دارد؛ اما روزبهان برای نخستین بار به نامگذاری و شرح جزئیات این مراحل می‌پردازد. طبقه‌بندی روزبهان از مراحل سیر الی‌الله وجوه اهمیت بسیاری دارد که آن را از دیگر تقسیم‌بندی‌هایی که در این زمینه صورت گرفته متمایز می‌کند؛ از جمله اینکه در این طرح، بین مراحل سیر و سلوک و مراتب اولیا سازگاری و هماهنگی ایجاد شده است. روزبهان طبقات اولیا را به بیست گروه تقسیم می‌کند و جزئیات مقامات هر طبقه را به تفصیل بیان می‌کند. بین طبقات مختلف عرفا و مقامات هر طبقه در این طرح ارتباطی معنادار برقرار است. با توجه به سیر کلی مقامات، هدف از مقاله حاضر، بررسی مبانی نظری دیدگاه‌های روزبهان در باب مراحل سیر و سلوک عرفانی است.

واژه‌های کلیدی: روزبهان بقلی، سیر و سلوک، مشرب‌الارواح،

مقام، هزار مقام.

مقدمه

روزبهان بقلی، از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار در سیر تطور عرفان اسلامی است. بررسی و تحلیل آثار و تبیین مبانی مشرب عرفانی وی از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه وی در دوره‌ای مهم در سیر عرفان اسلامی می‌زیسته است. در قرن ششم هجری، ثبات نسبی - که در سده‌های پیشین بر آثار عرفانی حاکم بود - به تدریج از میان می‌رود و زمینه‌های تغییر و دگرگونی فراهم می‌شود. هرچند که مبانی عرفانی در آثار عرفای این زمان هنوز دستخوش تغییر نشده است، نوآوری‌های بسیاری در حیطه موضوع و نیز شیوه بیان آن در آثار عرفانی به چشم می‌خورد. طرح بسیاری از این موضوعات، زمینه‌های تحول را در قرن هفتم فراهم می‌کند؛ بنابراین،

این دوره را می‌توان به‌نوعی دوره انتقال دانست. روزبهان بقلی در این میان سهم بسزایی داشته است. هرچند که روزبهان از جمله عرفای سنت اول عرفانی^۱ شناخته می‌شود، بسیاری از دیدگاه‌های او زمینه‌ساز طرح مباحث جدیدی در سنت دوم عرفانی شده است. در واقع، آثار روزبهان، حلقه واسطی بین آثار سنت اول و دوم عرفانی محسوب می‌شود. اهمیت دیدگاه‌های او در این زمینه تا جایی است که برخی محققان معتقدند آرای وی به‌طور مستقیم بر ابن عربی تأثیر داشته است. شباهت‌های بسیاری بین آثار روزبهان و ابن عربی وجود دارد. کارل ارنست بر آن است که در گذر میراث صوفیه، تنها شخصیت برجسته‌ای که می‌توان او را از منظر جهان‌بینی عرفانی به بهترین وجه با روزبهان مقایسه کرد، محی‌الدین ابن عربی است (ارنست، ۱۳۸۳: ۳۳). بررسی و تحلیل آثار روزبهان، نه تنها به شناخت بهتر مشرب عرفانی وی می‌انجامد، بلکه در تبیین مبانی عرفانی سنت دوم نیز راهگشا خواهد بود. یکی دیگر از وجوه اهمیت آثار روزبهان آن است که دیدگاه‌های عرفانی وی در آثار بسیاری از بزرگان ادب فارسی تأثیر بسزایی داشته است. برای شناخت آثار عرفایی همچون عطار، مولوی، عراقی، اوحدی کرمانی و حافظ، آشنایی با دیدگاه‌های روزبهان ضروری است (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶، مقدمه: ۸۴). تأثیر روزبهان بر کسانی چون حافظ تا آنجاست که برخی محققان معتقدند حافظ بیش از هر اندیشمند دیگری از آثار روزبهان تأثیر پذیرفته است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۳: ۳۹۵).

با وجود اهمیتی که دیدگاه‌های روزبهان در سیر تطور عرفان اسلامی دارد، تاکنون پژوهش جامع و قابل توجهی در زمینه بررسی مشرب عرفانی و تحلیل آثار وی انجام نشده است؛ البته در باب سرگذشت و شرح احوال او آثاری در دست است؛ از جمله «تحفه اهل عرفان» اثر شرف‌الدین ابراهیم و «روح‌الجنان» شمس‌الدین عبداللطیف که از قدیمی‌ترین منابع در باب زندگی روزبهان است و محمدتقی

دانش‌پژوه در *روزبهان‌نامه* (۱۳۴۷) به تصحیح این دو اثر پرداخته است. کارل ارنست هم در کتاب *روزبهان بقلی: تجربه عرفانی و شطح ولایت در تصوف ایرانی* (۱۳۸۳) بیشتر به گزارش احوال روزبهان نظر داشته است؛ اما برای شناخت بهتر آرا و مبانی فکری روزبهان لازم است گذشته از پرداختن به زندگی و احوال او، آثار وی با روش علمی بررسی و تحلیل شود. البته انجام این امر با دشواری‌هایی روبه‌رو است: آثار روزبهان مبتنی بر عرفان ناب و خالص و به تعبیر کارل ارنست نشأت‌گرفته از یک منبع زنده، مستقل و قائم‌به‌ذات است (ارنست، ۱۳۸۳: ۳۵). گزارش و بیان دریافت‌های شهودی و مکاشفه‌های غیبی، قسمت عمده‌ای از آثار او را شامل می‌شود و این امر در بسیاری موارد سبب شده است که فهم آثار وی با مشکل مواجه شود. علاوه‌براین، بیان تجربیات عرفانی در آثار روزبهان با زبانی تصویری و سرشار از آرایه‌های ادبی همراه است. استفاده از صور خیال، تمثیل‌های فراوان و استعاره‌های بی‌بدیل، زبان نوشته‌های او را به سرحد تکلف می‌رساند. این ویژگی در تمامی آثار روزبهان نمایان است. استخراج و تحلیل مبانی فکری روزبهان از خلال زبان ادبی و تصویری آثارش، مستلزم آشنایی کامل با روح حاکم بر آن است.

آثار روزبهان از منظر طرح مبانی عرفانی و شیوه بیان آن یکدست نیست. در بین این آثار، *مشرب‌الارواح* ویژگی‌های درخور توجهی دارد. سبک و سیاق این کتاب با دیگر آثار روزبهان متفاوت است. در این کتاب، طرحی جامع و تفصیلی در باب منازل سیر و سلوک ارائه شده است. هرچند که در دیگر آثار روزبهان هم اشارات پراکنده‌ای در باب مبانی طریقت عرفانی، مراحل آن و تعداد این مراحل مشاهده می‌شود، شرح و بسط این منازل و تشریح جوانب مختلف آن برای اولین بار در این کتاب مطرح می‌شود. روزبهان معتقد است که سالک در سیرالی‌الله، منازل متعددی را پشت سر می‌گذارد و از جمله این منازل، به میزان فهم سالکان، هزار منزل را انتخاب کرده و در این کتاب به شرح و بسط آن‌ها پرداخته است. این طرح، تنها به

تبیین منازل سیر و سلوک عرفانی اختصاص ندارد؛ بلکه روزبهان در ضمن آن به تبیین مراتب اولیا نیز می‌پردازد. در واقع، طرح روزبهان، تلفیقی از منازل سلوک و مراتب اولیاست. برای آشنایی با این طبقه‌بندی، توجه به پرسش‌های زیر ضروری است:

۱. مبانی طبقه‌بندی روزبهان در ارائه این طرح چیست؟
 ۲. تعداد منازل سیر و سلوک از منظر روزبهان چیست؟
 ۳. چه ارتباطی بین منازل سیر و سلوک و طبقات اولیا برقرار است؟
 ۴. مراتب اولیا و جایگاه آنان در سیر و سلوک عرفانی چگونه است؟
- در این مقاله با توجه به وجوه اهمیت این طبقه‌بندی، مبانی نظری سیر و سلوک عرفانی در مشرب‌الارواح بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. مبانی طبقه‌بندی منازل سیر و سلوک در مشرب‌الارواح

تقسیم‌بندی روزبهان در مشرب‌الارواح از مراحل سیرالی‌الله، دربرگیرنده طرحی جامع و نو است. این طرح، وجوه اهمیت بسیاری دارد که آن را از دیگر طبقه‌بندی‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، متمایز می‌کند:

الف) نخستین ویژگی درخور توجه این طبقه‌بندی، تعداد مراحل است که سالک در سیرالی‌الله پشت سر می‌گذارد. روزبهان معتقد است بین بنده و حق، منازل متعدد و فراوانی وجود دارد و تا زمانی که سالک این منازل را پشت سر نگذارد، نمی‌تواند حقیقت محبت و مشاهده حقیقی را بچشد (روزبهان بقلی، ۱۴۲۶: ۹). درباره منازل و مراحل طریقت و تعداد و ترتیب آن‌ها در متون عرفانی تا قرن هفتم هجری، هماهنگی وجود ندارد. با توجه به تفاوت‌هایی که در حالات و معامله‌های سالکان مشاهده می‌شود، برداشت‌های آنان از مراحل سلوک متفاوت است. البته از منظر

عرفا، راه حق یکی بیش نیست؛ اما اختلاف وجوه آن به اختلاف احوال سالکان طریق حق مربوط است. حکیم ترمذی در بیان این اختلاف چنین می‌گوید: «فَاعْلَمْ أَنَّ الطَّرِيقَ شَتَّى وَ طَرِيقُ الْحَقِّ مَفْرَدَةٌ وَ سَالِكُونَ طَرِيقِ الْحَقِّ أَفْرَادٌ وَ مَعَ أَنَّ طَرِيقَ الْحَقِّ مَفْرَدَةٌ فَإِنَّهُ تَخْتَلَفُ وَجُوهُهَا بِاخْتِلَافِ أَحْوَالِ سَالِكِيهَا...» (ترمذی، ۱۴۲۸: ۱۲). از منظر وی، احوال سالکان طریق‌الیه به نسبت اعتدال یا انحراف مزاج و حالت روحانی آنها و شدت و ضعف آن متفاوت است.

فاصله میان دیدگاه‌های مختلف در این زمینه تا حدی است که عده‌ای، سلوک را در سه مرحله خلاصه کرده‌اند و گروهی تعداد این مراحل را هزار یا حتی بیشتر دانسته‌اند. در *حقایق‌التفسیر سلمی*، سخنی از امام جعفر صادق (ع) در تفسیر آیه «وَ أُوحِيَإِنَا إِلَى مُوسَى إِذْ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» (اعراف: ۱۶۰) نقل شده است. ایشان از مراحل سیر و سلوک با عنوان «عین» به معنای چشمه یاد می‌کنند و مراحل رسیدن به معرفت را دوازده چشمه می‌دانند (سلمی، ۱۳۶۹: ۳۰). شقیق بلخی (۱۹۷۳: ۱۷) منازل اهل صدق را در چهار مرحله خلاصه می‌کند. در میان مشایخ عرفانی، خواجه عبدالله انصاری یکی از منظم‌ترین و مفصل‌ترین دسته‌بندی‌ها را ارائه داده است. وی در *منازل‌السائرین*، مقامات و منازل سلوک را در ده بخش طبقه‌بندی کرده است: بدایات، ابواب، معاملات و ... هر یک از این بخش‌ها خود دارای ده باب است و بدین ترتیب، کتاب در مجموع، صد باب دارد. مطالب هر یک از این ابواب هم به نوبه خود در سه درجه تنظیم شده است: درجه عامه، درجه سالک و درجه محقق. صدمیدان همچنان که از نام آن پیداست، در صد منزل و برای مبتدیان تصوف تنظیم شده است.

در آثار روزبهان، به صورت‌های مختلفی به تعداد مراحل سیر و سلوک اشاره شده است. وی در *رساله‌القدس* از هفت مقام عرفانی این چنین یاد می‌کند: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا. روزبهان این هفت مقام را بنای هفتصد هزار مقام

می‌داند که با ممارست می‌توان به آن دست یافت (روزبهان بقلی، ۱۳۸۱: ۴۱). همچنین در جایی دیگر، فاصله هر مقام تا مقام بعدی را در سیرالی‌الله هفتاد هزار مقام می‌داند: «از مقام توبت تا مقام مراقبت هفتاد هزار مقام است و در هر مقامی هفتاد هزار خطاب است. تا مقام بر مرد تمام نشود، تواتر خطاب است و از مراقبت تا به معرفت هفتاد هزار مقام است... از مقام مشاهده تا مقام توحید هفتاد هزار مقام است که اولش صحو است و آخرش اصطلام است و ساحلش فنای فنا است و لجه‌اش بقای بقا است...» (همان: ۵۳). روزبهان در *مشرب‌الارواح* بیان می‌کند که به فراخور فهم سالکان به شرح و تبیین هزار منزل از این منازل متعدد و کثیر می‌پردازد. عرفای پیش از روزبهان نیز از این منازل هزارگانه یاد کرده‌اند. خواجه عبدالله انصاری، سخنی از ابوبکر کتانی در این زمینه نقل می‌کند: «میان بنده با الله هزار مقام است: یکی نور و یکی ظلمت. هر بنده که نور او درست گشت، از مقامی هرگز بازنگردد» (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۶۲: ۸۸). روزبهان، پیشینه این بحث را به خضر برمی‌گرداند. وی بیان می‌کند که از خضر نقل شده است که بین بنده و مولا هزار مقام وجود دارد. وی در این زمینه، سخنان مشابهی را نیز از ذوالنون مصری، بایزید بسطامی و جنید نقل می‌کند. تعبیر عرفا در باب این منازل، متفاوت است. ذوالنون آن را «هزار علم»، جنید «هزار قصر» و ابوبکر کتانی «هزار مقام» می‌نامد (روزبهان بقلی، ۱۴۲۶: ۹). هرچند پیش از روزبهان نیز عرفا از مراحل هزارگانه سیر و سلوک نام برده‌اند، ابتکار روزبهان در آن است که برای نخستین بار به نامگذاری، شرح و تبیین ارتباط بین این منازل می‌پردازد.

ب) روزبهان در ضمن شرح و تبیین منازل سیر و سلوک، سادات اهل طریقت را نیز به طبقاتی تقسیم می‌کند. وی بیست طبقه را برای کسانی که قدم در راه طریقت گذاشته‌اند در نظر می‌گیرد که به ترتیب عبارتند از: ۱. مجذوبین، ۲. سالکین، ۳.

سابقین، ۴. صدیقین، ۵. محبین، ۶. مشتاقین، ۷. عاشقین، ۸. عارفین، ۹. شاهدین، ۱۰. مقربین، ۱۱. موحدین، ۱۲. واصلین، ۱۳. نقباء، ۱۴. اصفیاء، ۱۵. اولیاء، ۱۶. أهل- الأسرار من النجباء، ۱۷. مصطفین، ۱۸. خلفاء، ۱۹. بدلاء، ۲۰. أقطاب و غیاث.

روزبهان در هر باب از کتاب به شرح مقاماتی می‌پردازد که این دسته از سالکان پشت سر می‌گذارند. هر طبقه از عرفا در حدود پنجاه مقام را پشت سر می‌گذارند و پس از عبور از این مقامات، برای ورود به طبقه بعد شایستگی پیدا می‌کنند. نکته در خور توجه در باب این طبقات آن است که تلفیقی از منازل سیر و سلوک و مراتب اولیا در این طبقه‌بندی مشاهده می‌شود. در ادامه، به بررسی بیشتر این ویژگی پرداخته می‌شود.

ج) تمامی هزار مقامی که روزبهان از آن یاد می‌کند، از یک نوع نیست. تنوع مفاهیمی که با عنوان مقام در مشرب/الأرواح از آن یاد می‌شود، دایره معنایی مقام را بسیار گسترده می‌کند. غالب مقامات را می‌توان در یکی از دسته‌های زیر جای داد:

۱. دسته‌ای از این مقام‌ها از جمله منازل سیر و سلوک است؛ مانند:

- یقظه: مقام چهل و پنجم از مقامات مجذوبین (روزبهان بقلی، ۱۴۲۶: ۲۵).
- توبه: مقام چهل و هشتم از مقامات مجذوبین (همان: ۲۶).
- ورع: مقام چهارم از مقامات سالکین (همان: ۲۹).
- زهد: مقام پنجم از مقامات سالکین (همان: ۳۰).
- خوف: مقام سی و نهم از مقامات سالکین (همان: ۴۲).
- رجا: مقام چهلیم از مقامات سالکین (همان).
- رضا: مقام چهل و چهارم از مقامات سالکین (همان: ۴۳).
- ...

۲. یکی از وجوه اهمیت مشرب/الارواح، تفاسیر عرفانی است که روزبهران از آیات قرآن ارائه می‌دهد. غالب مقاماتی که روزبهران برای سالکان طریقت برمی‌شمرد، برگرفته از آیات و روایات است و البته روزبهران با ابتکار خود به شرح و تفسیر آیه مورد نظر می‌پردازد. شیوه روزبهران در بهره‌گیری از آیات قرآن، ظرافت‌های فراوانی دارد که پرداختن بدان، مجال دیگری می‌طلبد. در بسیاری موارد، کلمه‌ای در آیه قرآن او را به مفهومی هدایت می‌کند. برداشتی که روزبهران از لفظ مورد نظر دارد، غالباً با معنای ظاهری آن متفاوت است. برای نمونه می‌توان به مقام‌های زیر اشاره کرد:

■ صمت: مقام هفتم از مقامات سالکین است. روزبهران با استناد به آیه شریفه «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف: ۲۰۴)، صمت را حکمتی می‌داند که باعث انقطاع و سوسه‌ها و جمع همت‌های پراکنده از طریق نهی حق (انصتوا) می‌شود. صمت به این معنا، نوعی موت طبیعی است از زیاده‌گویی‌های کثیر و انشراح صدر از شنیدن خطاب خاص حق (روزبهران بقلی، ۱۴۲۶: ۳۱).

■ سکینه: مقام سیزدهم از مقامات سابقین است. روزبهران با اشاره به آیه شریفه زیر به شرح و تفسیر این مقام می‌پردازد: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۲۶) (ر.ک: همان: ۵۲).

■ قتال: مقام چهل و دوم از مقامات محبین است. روزبهران در بیان این مقام، به آیه شریفه قرآن «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۱۹۰) نظر دارد. وی برای قتال، مراتبی در نظر می‌گیرد: قتال با نفس، قتال با شیطان، قتال با قلب و قتال با روح (همان: ۵۲).

...

۳. برخی از مقاماتی که روزبهان در ضمن هزار مقام از آن یاد می‌کند، از مقوله منازل و مراحل سلوک نیست؛ بلکه توصیه‌ای اخلاقی یا عبادی است که عمل بدان، سالک را در مسیر سلوک یاری می‌رساند؛ مانند:

- مقام تصفیة قوت: مقام سیزدهم از مقامات سالکین (همان: ۳۳).
- مقام کسب [روزی حلال]: مقام چهاردهم از مقامات سالکین (همان: ۳۴).
- مقام ایثار: مقام بیست و چهارم از مقامات سابقین (همان: ۵۲).
- مقام مشورت: مقام سی و ششم از مقامات سابقین (همان: ۵۷).
- مقام شفقت بر خلق: مقام چهل و یکم از مقامات سابقین (همان: ۵۸).
- ...

۴. قسمت عمده این مقام‌ها را می‌توان از مقوله مکاشفات، وقایع غیبی، کرامات و شطحیات برشمرد؛ مانند:

- مقام تسخیر آتش: مقام نوزدهم از مقامات اصفیا (همان: ۲۴۸).
- مقام سجود شمس و قمر و نجوم به عارف: مقام سی و دوم از مقامات اصفیا (همان: ۲۵۱).
- مقام حیرت بین عرش و کرسی: مقام سی و سوم از مقامات اولیا (همان: ۲۶۴).
- مقام خنده خداوند به چهره عارف در نیمه شب: مقام سیزدهم از مقامات مصطفین (همان: ۲۸۱).
- مقام رؤیت ابلیس و حلیه‌های او: مقام بیست و نهم از مقامات مصطفین (همان: ۲۸۵).
- مقام رؤیت مردگان در قبور: مقام سی و دوم از مقامات مصطفین (همان).

- مقام رؤیت انوار عظمت و کبریا در لباس شیر بر قلّه کوه قاف، هنگام خوردن تمامی انبیا و اولیا: مقام پنجاه از مقامات خلفا (همان: ۳۰۰).
- مقام خوردن طعام از بهشت: مقام سی و یکم از مقامات اقطاب (همان: ۳۲۱).
- ...

۱-۱. بدایت سیر و سلوک عرفانی: جذبه

اولین طبقه عرفا در مشرب الارواح به مجذوبین اختصاص یافته است. در طرح روزبهان، سیرالی الله با جذبه آغاز می شود. از منظر روزبهان کسی می تواند قدم در راه سیر و سلوک بگذارد که جذبه حق نصیب او شود. در متون عرفانی غالباً از جذبه در کنار سلوک یاد می شود. حکیم ترمذی، از جمله نخستین کسانی است که به تفصیل به بحث در باب جذبه پرداخته است. وی در ختم الاولیا، فصلی را به شرح و تفسیر جذبه و بیان ویژگی های مجذوبین اختصاص داده است (ترمذی، ۱۴۲۲: ۴۱۶-۴۲۱). ترمذی در تفسیر آیه «يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری: ۱۳)، اجتناب و برگزیدن حق را به جذبه الهی تفسیر می کند؛ بنابراین، شخص برگزیده کسی است که خداوند قلب او را به سمت خود جذب می کند و پیوسته با عنایت خود به پرورش و تزکیه قلب و نفس او می پردازد؛ تا جایی که او را به بالاترین مرتبه اولیا می رساند (همان: ۴۰۶-۴۰۷). از منظر ترمذی، مجذوب کسی است که خداوند او را برای نزدیکی به حضرت انس خود برمی گزیند. چنین کسی، بدون تحمل رنج مکاسب به مقامات نائل می شود: «المجذوب من اصطفاه الحق تعالی و اختصه بحضرة انسه و طهره بما قدسه؛ فحاز جميع المقامات بلاكلفة المكاسب و المتاعب» (همان: ۵۰۳). وی اصحاب جذبات را به سه دسته تقسیم می کند: مجذوب غیر سالک، سالک مجذوب و مجذوب سالک (همان). طبقه بندی های دیگری نیز در باب طبقات

مجدوبان و سالکان در متون عرفانی وارد شده است (برای نمونه ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵: ۳۶؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۳۹؛ نسفی، ۱۳۸۶: ۷۶ و ۱۲۶؛ نسفی، ۱۳۷۹: ۷۵).

پیش از روزبهان، این بحث در بین عرفا مطرح بوده است که آیا در سیرالی‌الله، جذبه اهمیت بیشتری دارد یا سلوک و آیا مقام مجدوبان بالاتر است یا سالکان؟ در طرح روزبهان، جذبه مقدم بر سلوک و مجاهده است و سالکان، دومین طبقه عرفا هستند. از منظر روزبهان، اهمیت جذبه در آغاز راه سلوک تا جایی است که وی آن را جایگزین یقظه و انتباه می‌کند. به‌طور کلی، در بسیاری از متون عرفانی، یقظه و انتباه به‌عنوان نخستین منزل سیر و سلوک معرفی شده است؛ اما در مشرب‌الارواح، جذبه حق بر دیگر منازل سلوک، مقدم است. پیش از روزبهان نیز برخی عرفا بر این باور بوده‌اند که جذبه، مقدم بر سلوک و مجاهده است. یحیی بن معاذ رازی معتقد بوده است اگر خدا قومی را دوست داشته باشد، آنان را به سمت خود جذب می‌کند (یحیی بن معاذ رازی، ۱۴۲۳: ۳۵). وی محبت خدا به شخص مجدوب را بیش از محبت به شخص مجاهد می‌دانسته است: «به اول مجدوبان را می‌خواهد و به آخر مجاهدان را» (عطارد نیشابوری، ۱۳۸۶: ۳۱۹). میبیدی هم جذبه الهی را مؤثرتر از سلوک و مقدم بر آن معرفی کرده است: «سعادت بندگان در عنایت است و آنجا که عنایت است، پیروزی را چه نهایت است. کار جذبه الهی دارد، مغناطیس عزت و کشش عنایت؛ هرکجا کششی بود، آنجا کوششی بود؛ هرکجا صدقی بود، آنجا تصدیقی بود» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۴۳).

هرچند برخی عرفا بر اهمیت جذبه در سیر و سلوک تأکید کرده‌اند و گاه آن را مقدم بر سلوک دانسته‌اند، روزبهان برای اولین بار از جذبه به‌عنوان اولین منزل سیر و سلوک نام می‌برد. نگاه وی به موضوع جذبه، نگاهی تازه و متفاوت با آرای معمول عرفا است. جذبه از منظر روزبهان، خاص روح انسان است؛ زمانی که هنوز به جسم

نیپوسته است. روزبهان در این فصل، با استناد به حدیث «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف» و آیه شریفه «قل الرّوح من أمر ربّي» (إسراء: ۸۵) به طرح ماجرای خلقت روح می پردازد؛ بنابراین، مجذوب در واقع روح انسانی است. این جذبۀ در هنگام خلقت روح و در عالم امر و حتی پیش از آن که روح به واسطه ایجاد حق، هستی بیابد و امر حق بر آن جاری شود، نصیب روح می شود. عرفا روح را لطیف ترین و نورانی ترین مخلوق الهی می دانند. ابن عطا هم با اشاره به این نکته، روح را لطیفه ای می داند که پیش از جسم آفریده شده است. به واسطه روح است که دریچه ای از کشفیات و معانی غیبی برای انسان گشوده می شود (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۲۰) و مشاهده حق نصیب او می شود: «و غذاء الروح أعز و هو مشاهدة الحق و السماع منه و ترك الالتفات الى المكونات بحال» (همان: ۱۱۶).

سیر کلی مقامات مجذوبین، به گونه ای است که می توان آن را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱. مقام اول تا بیستم: تا اینجا روح هنوز به صورت انسانی متصل نشده است؛ ۲. مقام بیستم تا آخر: از این مقام، روح به صورت متصل می شود. پس از اتصال روح به قالب است که بنده به ظلمت طبیعت دچار و به واسطه هوای نفسانی محتجب می شود. با رسیدن به این حجاب، غمی ناشناخته وجود او را فرامی گیرد و سپس به مقام یقظه و انتباه و توبه و انابه وارد می شود. آخرین مقام مجذوبین، مقام مخالفت نفس است و پس از آن، مقامات سالکین آغاز می شود. این فصل از مشرب الارواح، سرآغاز سیر و سلوک عرفانی است. سالک به ترتیب، مقاماتی را پشت سر می گذارد که مرتبه وجودی او را ارتقا می دهد.

۱-۲. ارتباط طولی مقامات و تلفیق منازل سلوک و طبقات اولیا

روزبهان برگزیدگان حق را برمبنای نزدیکی و تقرب به خداوند، به بیست طبقه تقسیم می کند. برمبنای این طبقات می توان به بررسی دیدگاه های او در باب منازل

سیر و سلوک پرداخت. سالک در سیرالی الله، منازلی را پشت سر می گذارد. روزبهان بر مبنای مرحله ای که سالک در آن قرار دارد، به معرفی و نامگذاری طبقه او می پردازد؛ به عنوان مثال، وقتی شخص به منزل عشق وارد می شود، از طبقه عاشقان محسوب می شود. چنانکه از طرح روزبهان آشکار می شود، بین مقام های هزارگانه ارتباط طولی وجود دارد. در جدول زیر، بدایت و نهایت مقام های هر طبقه نمایش داده شده است:

طبقات عرفا	مقام اول	مقام آخر
۱ مجذوبین	مقام الروح فی بدو أمرها...	مخالفة النفس
۲ سالکین	تدارک	عنایت
۳ سابقین	سلامت	نجات
۴ صدیقین	اعتبار	کلاءت
۵ محبین	وقت	محبة الله المحبین
۶ مشتاقین	فرار	شوق فی مقام المشاهده
۷ عاشقین	ذوق	فصل
۸ عارفین	بدایة	وجدان العارف نور اسماء الله بوصف التجلی
۹ شاهدین	اللحظ	دعوت
۱۰ مقربین	انفراد	انبساط
۱۱ موحدین	رؤية الغیوبات بالعين الظاهرة	عزم
۱۲ واصلین	صبغة	رؤية القدمية فی نفسه
۱۳ نقباء	حلم	رفع العبادة الكثيرة عن المحب
۱۴ اصفیاء	رؤية النور فی النار	رؤية الأشياء
۱۵ اولیاء	اعلان	مقام التناء الخاص

طبقات عرفا	مقام اول	مقام آخر
۱۶ نجبا	بروز الصفات	صلابة قلبه في الفترة و تمكينه في الغيبة
۱۷ مصطفين	النعمة و الاستدراج	انكشاف النار
۱۸ خلفاء	بكاء في الضحك	رؤية انوار العظمة و الكبرياء في لباس الأسد على رأس الجبل القاف ...
۱۹ بدلاء	رؤية الكل بعين جميع الصفات في اشكال الأفعال	مقام نقصان الوجد و زيادة الحلم
۲۰ اقطاب	مقام تعلم الملائكة حقائق العلوم منهم	مقام علم الأسماء الكلية

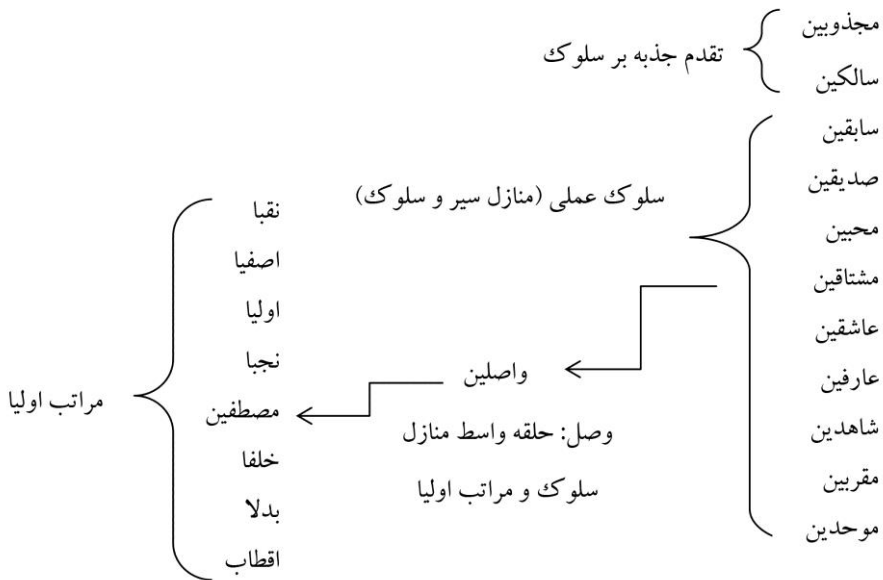
سالک در هر طبقه، پنجاه مقام را پشت سر می گذارد. مقام آخر هر طبقه، با مقام اول طبقه بعد پیوند می خورد؛ به عنوان مثال، در طبقه اول، پس از اینکه سالک به مقام یقظه و انتباه می رسد و سپس در پی توبه و درنهایت، مخالفت با نفس برمی آید، به طبقه بعد وارد می شود. آخرین مقام طبقه اول (مجدوبین)، مقام مخالفت نفس است. اولین مقام طبقه بعد (سالکین)، مقام تدارک است. سالکی که در پی مخالفت نفس برآمده است، به مقام تدارک می رسد؛ یعنی در پی جبران گناهان و خطاهای گذشته خود برمی آید. مقاماتی که در این فصل (مقامات سالکین) مطرح می شود، بر تزکیه نفس و به تعبیر دیگر، سلوک عملی استوار است. مجاهده، ورع، زهد، ریاضت و تهذیب، از جمله این مقامات است. نهایت مقامات سالکین، عنایت است. سالک با عبور از این مقامات به جایی می رسد که در کنف عنایت حق قرار می گیرد و خداوند از سر لغزش های او درمی گذرد و او را به خود نزدیک می گرداند؛ بنابراین، در واقع، عنایت حق نتیجه ای است که در اثر تزکیه نفس برای سالک حاصل می شود. پس از اینکه سالک با استفاده از تزکیه نفس به پاکسازی درون می پردازد، خداوند او را در هاله ای از عنایات خود قرار می دهد و به مقام سابقین

می‌رساند. سومین طبقه عرفا در مشرب‌الارواح، سابقین هستند. مقامات سابقین با مقام سلامت آغاز می‌شود. ارتباط معناداری بین عنایت، به‌عنوان آخرین مقام سالکین و سلامت به‌عنوان اولین مقام سابقین برقرار است. سالکی که عنایت حق نصیب او شده است، به مقام سلامت می‌رسد و به‌واسطه صیانت حق، از قهر او در امان می‌ماند. بدین ترتیب، ارتباط طولی مقامات در تمامی بخش‌های مشرب‌الارواح حفظ می‌شود و البته بررسی تمامی مقامات و ارتباط میان آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

علاوه بر مقام‌های هزارگانه، بین طبقات مختلف عرفا نیز ارتباط معناداری برقرار است؛ بنابراین، سیر در مدارج کمال، با جذب آغاز می‌شود. طبقه بعدی به سالکین اختصاص یافته است. پس از اینکه شخص به‌واسطه فیض حق، از جذب الهی برخوردار می‌شود، به‌منظور تزکیه نفس، به سیر و سلوک عملی روی می‌آورد؛ به‌نظر می‌رسد که روزبهان در ابتدای مقامات سلوک، به‌ترتیب از جذب و سلوک یاد می‌کند تا دیدگاه خود را در باب تقدم جذب بر سلوک نشان دهد. پس از اینکه سالک، قدم در راه سیرالی‌الله می‌نهد، به تدریج در اوصاف وجودی او تغییر ایجاد می‌شود و مرحله به مرحله به طبقه بالاتری از سادات اهل طریقت نائل می‌شود. سالک به‌ترتیب، طبقات سابقین، صدیقین، محبین، مشتاقین، عاشقین، عارفین، شاهدین، مفرین، موحدین و واصلین را پشت سر می‌گذارد. بر مبنای این طبقات می‌توان مراحل سیر و سلوک را از منظر روزبهان، به‌ترتیب چنین معرفی کرد: سبقت، صدق، محبت، شوق، عشق، معرفت، مشاهده، قرب، توحید و وصل. هرچند که طرح برخی از این مراحل - مانند سبقت - در کلام روزبهان تازگی دارد و پیش از وی با عنوان منازل سیرالی‌الله از آن یاد نشده است؛ اما روزبهان به شیوه‌ای مبتکرانه، آن را از مراحل سلوک برمی‌شمرد. نکته درخور توجه در باب این مراحل آن است که از طبقه واصلین به بعد، تفاوتی ماهوی در مراحل سیر و سلوک ایجاد می‌شود. تا این مرحله (وصل)، سالک در پی دستیابی به وصال حق بود و در این مرحله، سالک به

این هدف دست می‌یابد. آخرین مقام‌هایی که روزبهان برای شخص واصل در نظر می‌گیرد، به ترتیب عبارت است از: فنا (مقام چهل و هشتم از مقامات واصلین)، فنا (مقام چهل و نهم از مقامات واصلین) و درنهایت، رؤیت قدمیت در نفس خود (مقام پنجاهم از مقامات واصلین). پس از اینکه شخص واصل وجود خود را در وجود حق فانی می‌کند، در این فنا تا جایی پیش می‌رود که حق تعالی او را از فنا هم فانی می‌کند و در این مقام، تنها حق باقی می‌ماند. سپس سالک به نوعی شناخت و معرفت دست می‌یابد که روزبهان با عنوان «رؤية القدمية فی نفسه» از آن یاد کرده است. روزبهان این مقام را «سری عظیم از علمی مجهول» می‌داند (روزبهان بقلی، ۱۴۲۶هـ: ۳۳۰) و معتقد است تأویل آن را تنها کسی می‌داند که بدان دست یافته باشد. در این حالت، علم حق به سمت شخص واصل سرازیر می‌شود. وصل از منظر روزبهان، حلقه واسطی است که منازل سیر و سلوک را به مراتب اولیا پیوند می‌دهد. به تعبیر دیگر، مراتبی را که روزبهان پس از وصل نام می‌برد، می‌توان از مراتب واصلان درگاه الهی دانست: نقبا، اصفیا، اولیا، نجبا، مصطفین، خلفا، بدلا و اقطاب. با توجه به اینکه روزبهان، حد و نهایی برای سیرالی‌الله در نظر نمی‌گیرد، حتی شخصی که به وصل رسیده نیز سیر او در مدارج کمال پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه رسیدن به وصال حق، خود سرآغاز سیر دیگری است که معارف وجودی سالک را ارتقا می‌دهد. نقبا، اولین طبقه پس از واصلین هستند. نقیب از منظر روزبهان کسی است که با طی کردن مراحل سیر و سلوک به مرتبه فنا و بقای پس از فنا رسیده است. بسیاری از مقاماتی که روزبهان برای نقبا و نیز دیگر طبقات اولیا برمی‌شمرد، از مقوله مکاشفات و وقایع غیبی است؛ به عنوان مثال، مقامات اصفیا به ترتیب عبارت است از: ۱. رؤية النور فی النار، ۲. دخول الحضرة بغير الإذن، ۳. مقام الخبر عن الأحوال بلا إذن، ۴. مقام الجرأة فی إسقاط الأدب، ۵. مقام الانسلاخ عن الحدثان، ۶. مقام سماع تناء الحق علیه (همان: ۲۴۳-۲۴۴). برخی مقامات این دسته از عرفا نیز برگرفته از

اوصاف و ویژگی‌های آنان است. به‌عنوان مثال، حلم از مقامات نقبا (همان: ۲۳۱) و عزت و صولت و سطوت (همان: ۲۷۱)، از مقامات نجبا است. روزبهان با ظرافت تمام به بیان اوصاف و شرح کرامات و اصلاصان حق می‌پردازد. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان طرح روزبهان را تلفیقی از منازل سیرالی‌الله و مراتب و اصلاصان به حق دانست. وصل، نقطه محوری اتصال سالکان و واصلان است. در شکل زیر، نحوه ارتباط طولی طبقات بیست‌گانه عرفا نمایش داده شده است.



۲. طبقات اولیا

در نظر حکما و عرفا، مقام و مراتب تمامی مؤمنان برابر نیست. مباحث بسیاری در باب مراتب خلق، مراتب مؤمنان، برگزیدگان خلق و اولیا در آثار عرفانی مطرح شده است. عرفا در باب تعداد این مراتب و نام هر طبقه، دیدگاه‌های گوناگونی دارند. روزبهان بقلی نیز از جمله کسانی است که در مشرب‌الارواح، به ارائه طرحی تازه در این زمینه می‌پردازد. برای شناخت بهتر دیدگاه‌های او، آشنایی با آرای مشهور عرفا

در این زمینه ضروری می‌نماید. به همین جهت، ابتدا به بیان معرفی دیدگاه‌های عرفا در این زمینه می‌پردازیم. سپس وجوه امتیاز طبقه‌بندی روزبهان را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. طبقه‌بندی اولیای الهی در کلام عرفا: از منظر عرفا، مراتب تمامی انسان‌ها برابر نیست و هر انسانی بر مبنای نزدیکی و تقرب به خداوند، در یکی از این مراتب قرار می‌گیرد. طبقه‌بندی‌های گوناگونی از مراتب خلق و نیز مراتب اولیا در متون عرفانی مطرح شده است. ابن عطا از جمله نخستین کسانی است که به ارائه طرحتی در این زمینه می‌پردازد. وی مراتب مؤمنان را به شش دسته تقسیم می‌کند: مرسلین، انبیا، صدیقین، شهدا، صالحین و مؤمنین. از منظر وی، پایین‌ترین مرتبه مرسلین، بالاترین مرتبه انبیا محسوب می‌شود و پایین‌ترین مرتبه انبیا، بالاترین مرتبه صدیقین است. مراتب بعدی نیز به همین ترتیب است؛ یعنی پایین‌ترین حد مرتبه بالاتر، بالاترین حد مرتبه پایین‌تر محسوب می‌شود: «أدنی منازل المرسلین أعلی مراتب النبیین و أدنی منازل الأنبیاء أعلی مراتب الصدیقین، و أدنی منازل الصدیقین أعلی مراتب الشهداء، و أدنی منازل الشهداء أعلی مراتب الصالحین، و أدنی منازل الصالحین أعلی مراتب المؤمنین» (کلابادی، ۱۹۳۳: ۴۲-۴۳).

حارث محاسبی در *آداب‌النفوس*، به ترتیب مقربان در گاه حق را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱. محبون، ۲. قائمون بحجته عند خلقه، ۳. انبیا، ۴. صدیقون. از منظر وی محبان به واسطه محبتی که در این دنیا به حق تعالی دارند، مقرب‌ترین افراد در درگاه الهی هستند (محاسبی، ۱۴۲۸: ۱۹۶).

مستملی بخاری نیز در شرح تعرف به معرفی مراتب خلق می‌پردازد و در این میان، از مقام اولیا یاد می‌کند. وی بیان می‌کند که مراتب انسان‌ها همیشه ثابت است و در ازل هم مراتب ارواح بر همین سیاق بوده است. مراتب خلق از منظر وی عبارت است از: ۱. عامه مؤمنان، ۲. اولیا، ۳. شهیدان، ۴. صدیقان، ۵. انبیا، ۶. رسل، ۷. مقام

حضرت مصطفی (ص). نهایت مقام هر طبقه، بدایت مقام طبقه بعد است و بدین ترتیب، مقام عامه مؤمنان برتر از مقام کافران است و مقام اولیا برتر از مقام عامه مؤمنان است... و مقام اولوالعزم، برتر از مقام عامه انبیا است و مقام حضرت مصطفی (ص) برتر از همه مقامهاست و جز حق تعالی، کسی نهایت مقام ایشان را نمی‌شناسد (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۰).

بنابراین، از منظر عرفا، اولیاءالله از جمله برگزیدگان الهی هستند که مقام آنان برتر از عامه مؤمنان است. برای اولیاءالله نیز در متون عرفانی مراتبی در نظر گرفته شده است. در این زمینه، عرفا غالباً به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کنند: «إِنَّ لِلَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ فِي الْأَرْضِ ثَلَاثُمِائَةَ قَلْبٍ لِقَلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ سَبْعَةٌ قَلْبٍ لِقَلْبِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ خَمْسَةٌ قَلْبٍ لِقَلْبِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ ثَلَاثَةٌ قَلْبٍ لِقَلْبِ مِيكَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْخَلْقِ وَاحِدٌ قَلْبٍ لِقَلْبِ إِسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَإِذَا مَاتَ الْوَاحِدُ أَبَدَلَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ مَكَانَهُ مِنَ الثَّلَاثَةِ، وَ إِذَا مَاتَ مِنَ الثَّلَاثَةِ أَبَدَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَكَانَهُ مِنَ الْخَمْسَةِ...» (ابونعیم اصفهانی بی‌تا، ج ۱: ۹؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۶۲؛ نسفی، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰).

بر مبنای این حدیث، برگزیدگان حق در زمین شش طبقه‌اند. تعداد هر طبقه نیز ثابت و مشخص است؛ گروه اول، سیصد نفر، گروه دوم، چهل نفر، گروه سوم، هفت نفر، گروه چهارم، پنج نفر، گروه پنجم، سه نفر، گروه آخر، یک نفر. هر چند که در این حدیث، نام هر طبقه از اولیا ذکر نشده است، عرفا برای هر یک از این طبقات، نامی در نظر گرفته‌اند. هجویری از جمله کسانی است که بر مبنای این حدیث، به شرح مراتب اولیا و وصف ویژگی‌های آنان می‌پردازد. وی معتقد است اولیاءالله دو دسته هستند: گروه اول کسانی‌اند که از نظر خود و خلق پوشیده‌اند. این

گروه، نه تنها یکدیگر را نمی‌شناسند، بلکه از جمال حال خود نیز بی‌اطلاعند. تعداد این دسته از اولیا، چهارهزار تن است؛ اما گروه دوم اولیا کسانی هستند که یکدیگر را می‌شناسند و در امور، به اذن یکدیگر محتاجند. هجویری دسته‌بندی دقیق‌تری در باب این گروه از اولیا دارد: «اما آنچه اهل حلّ و عقدند و سرهنگان در گاه حق - جل جلاله - سیصدند که ایشان را اخیار خوانند و چهل دیگر که ایشان را ابدال خوانند و هفت دیگر که ایشان را ابرار خوانند و چهارند^۲ که مر ایشان را اوتاد خوانند و سه دیگرند که مر ایشان را نقیب خوانند و یکی که ورا قطب خوانند و غوث خوانند» (هجویری، ۱۳۸۶: ۳۲۱). دسته دوم اولیا از منظر هجویری به ترتیب، عبارتند از: ۱. اخیار، ۲. ابدال، ۳. ابرار، ۴. اوتاد، ۵. نقیب، ۶. قطب (غوث).

این نامگذاری در دیگر متون عرفانی به صورت‌های دیگری نیز آمده است. میبیدی در تفسیر کشف‌الاسرار با استناد به حدیث مورد نظر به معرفی طبقات شش‌گانه برگزیدگان حق می‌پردازد. از منظر وی، سیصد به مراتب اولیا، چهل به مراتب ابدال، هفت به مراتب اوتاد، پنج به مراتب نقبا، سه به مراتب مختار و یک به مرتبه غوث اشاره دارد. وی معتقد است هنگامی که غوث از دنیا می‌رود، یکی را از مرتبه مختار به مرتبه غوث می‌رسانند و چون مختار از دنیا رود، یکی را از نقبا به مرتبه مختار می‌رسانند و به همین ترتیب، تا اولیاءالله. هنگامی که یکی از اولیا از دنیا می‌رود، شخصی را از جمله اهل زمین به مرتبه اولیاءالله می‌رسانند (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵۶۲).

عزیز نسفی نیز از جمله کسانی است که مباحث بسیار دقیق و جامعی را در باب خلقت انسان، مراتب مخلوقات و نیز مراتب برگزیدگان حق مطرح می‌کند. بسیاری از دیدگاه‌های او در این زمینه، تازگی دارد. وی در *انسان کامل*، به تعریف روح و تشریح ویژگی‌های روح انسانی می‌پردازد. روح انسانی، جوهری لطیف و از عالم امر است. نسفی بیان می‌کند که خداوند در آفرینش مراتب ارواح، به این زبده نورانی

(روح انسانی) نظر کرد. آن زبده نورانی بگداخت و به جوش آمد. از زبده و خلاصه آن زبده، روح خاتم انبیا را آفرید و از زبده و خلاصه باقی مانده آن، ارواح اولوالعزم را آفرید و از زبده و خلاصه آن باقی مانده، ارواح رسل را بیافرید و به همین ترتیب، ارواح انبیا، اولیا، اهل معرفت، زهاد، عباد، مؤمنان، طبیعت آتش، طبیعت هوا، طبیعت آب، طبیعت خاک را آفرید. همچنین با هر روحی، چندین ملک را به نیز خلق کرد و بدین ترتیب، مفردات آفرینش مفردات عالم ملکوت به پایان رسید (نسفی، انسان کامل، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۴). نسفی بین عالم ارواح و عالم اجسام ارتباط معناداری برقرار می‌کند و معتقد است که هریک از ارواح مذکور در یکی از طبقات عالم اجسام جای گرفته‌اند: «مراتب ارواح در مراتب اجسام، هریک در یکی مقام گرفتند. هریک در مقام خود. عرش، مقام روح خاتم انبیا شد و صومعه و خلوتخانه ایشان گشت و کرسی مقام ارواح اولوالعزم شد و صومعه و خلوتخانه ایشان گشت و آسمان هفتم مقام ارواح رسل شد و صومعه و خلوتخانه ایشان گشت... و آسمان اول، مقام ارواح مؤمنان و صومعه و خلوتخانه ایشان شد...» (همان: ۱۱۵؛ نسفی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴). نسفی دیدگاه جالبی در باب مراتب ارواح دارد. وی چهارده مرتبه موجودات را «خلقی» می‌داند و معتقد است که کسب در آن راهی ندارد و در خلق خدا تبدیل نیست. اگر این مراتب به واسطه کسب به دست می‌آمد، امکان داشت که هر کس به واسطه کسب از مقام اول خود برتر رود و به مرتبه بالاتر دست یابد؛ مثلاً اولیا به مقام انبیا دست می‌یافتند؛ اما این امر امکان‌پذیر نیست و به تعبیر نسفی، «در راه ماندن ممکن است؛ اما از مقام خود گذشتن ممکن نیست» (همان: ۵۵).

از منظر نسفی، اولیا نیز مراتب و درجاتی دارند. وی در این زمینه، با استناد به حدیث پیامبر اکرم (ص)، اولیای خدا را در زمین ۳۵۶ تن می‌داند. این اشخاص، پیوسته مقیم در گاه خدا و ملازم حضرت وی هستند. نسفی براساس حدیث مذکور، اولیا را به شش طبقه (سیصدتنان، چهل تنان، هفت تنان، پنج تنان، سه تنان و یکی)

تقسیم می کند. از منظر نسفی، هر چند که هر ۳۵۶ تن دانا و مقرب و صاحب همت و صاحب قدرت و مستجاب الدعوه اند؛ اما قطب از همه داناتر و مقرب تر است و قدرت و همت وی بیشتر است و هریک که به قطب نزدیک تر است، داناتر و مقرب تر است. عالم به برکت وجود قطب، برقرار است و چون او از این عالم برود و شخص دیگری نباشد که به جای وی بنشیند، عالم برمی افتد (نسفی، انسان کامل، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

قائل	تعداد طبقات	مراتب برگزیدگان حق
حارث محاسبی	چهار	۱. صدیقون ۲. انبیا ۳. قائمون بحجته عند خلقه ۴. محبون
ابن عطاء	شش	۱. مؤمنین ۲. صالحین ۳. شهداء ۴. صدیقین ۵. انبیا ۶. مرسلین
مستملى بخارى	شش	۱. عامه مؤمنان ۲. اولیا ۳. شهیدان ۴. صدیقان ۵. انبیا ۶. رسل ۷. مقام حضرت مصطفی (ص)
هجویری	شش	۱. اخیار، ۲. ابدال، ۳. ابرار، ۴. اوتاد، ۵. نقیب، ۶. قطب (غوٹ).
میبدی	شش	۱. اولیا ۲. ابدال ۳. اوتاد ۴. نقبا ۵. مختار ۶. غوٹ
عزیز نسفی	نه	۱- مؤمنان ۲. عبّاد ۳. زهاد ۴. اهل معرفت ۵. اولیا ۶. انبیا ۷. رسل ۸. انبیا اولوالعزم ۹. خاتم انبیا (ص)

۲-۲. وجوه اهمیت طبقه‌بندی روزبهان: روزبهان، سالکان الی‌الله را در مشرب‌الارواح به بیست طبقه تقسیم می‌کند. هرچند دیدگاه‌های گوناگونی در باب طبقات اولیا، تعداد و نام آنان در متون عرفانی مطرح شده است، این طبقه‌بندی به صورتی که روزبهان مطرح می‌کند، پیشینه‌ای ندارد. برای شناخت بهتر وجوه امتیاز این طبقه‌بندی، بار دیگر دیدگاه‌های مشهور عرفا را در این زمینه از نظر می‌گذرانیم: تعداد این طبقات از چهار تا نه طبقه در بین عرفا متفاوت است؛ اما روزبهان برگزیدگان حق را به بیست گروه تقسیم می‌کند. طبقات بیست‌گانه مورد نظر روزبهان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) تعدادی از طبقاتی که روزبهان برای سادات طریقت برمی‌شمرد، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، برگرفته از منازل سیر و سلوک (اعم از احوال و مقام‌های عرفانی) است. این طبقات عبارت است از: مجذوبین، سالکین، سابقین، صدیقین، محبین، مشتاقین، عاشقین، عارفین، شاهدین، مقربین، موحدین و واصلین. همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر آن گذشت، در طبقه‌بندی روزبهان تا طبقه دوازدهم، تکیه بر طی طریقت عرفانی و عبور از منازل سیر و سلوک است. وی با درهم آمیختن منازل سلوک و مراتب اولیا، طرحی تازه از مراتب سالکان ارائه می‌دهد. از منظر وی، کسانی که یکی از منازل سیر و سلوک مانند عشق را پشت سر می‌گذارند، به ویژگی‌هایی دست می‌یابند که آن‌ها را از دیگر سالکان متمایز می‌کند و به همین جهت می‌توان آن‌ها را طبقه‌ای متمایز از دیگر رهروان به‌شمار آورد. غالب طبقاتی که در این قسمت مطرح می‌شود، برگرفته از منازل تأثیرگذار و حائز اهمیت در سیر و سلوک عرفانی است؛ مانند عشق، توحید و قرب. در واقع، اینکه روزبهان در ضمن طبقات بیست‌گانه اولیا از این منازل یاد می‌کند، نشان از ارزش و اهمیت این منازل، از منظر او دارد.

ب) تعداد دیگری از طبقاتی که روزبهان به معرفی آن می‌پردازد، به مراتب برگزیدگان حق اختصاص یافته است. این طبقات عبارتند از: نقبا، اصفیا، اولیا، أهل الأسرار من النجبا، مصطفین، خلفا، بدلا، أقطاب. طبقات پیشین بر طی طریق و عبور از منازل سیر و سلوک استوار بود؛ اما هنگامی که سالک با عبور از منازل به مرتبه واصلین می‌رسد، تحولی اساسی در مقامات او پدید می‌آید. این دسته از برگزیدگان حق، کسانی هستند که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته‌اند. هرچند که مقام و منزلت تمامی این گروه‌ها یکسان نیست، همه آنان از خاصان و واصلان درگاه حق محسوب می‌شوند. برخی از طبقاتی که روزبهان در این قسمت از آن یاد می‌کند، در کلام دیگر عرفا هم از آن یاد شده است: نقبا، اولیا، بدلا و اقطاب. البته نحوه نگرش او به این طبقات نیز با دیدگاه دیگر عرفا تفاوت‌های اساسی دارد؛ به‌عنوان مثال، وی اقطاب را آخرین مرتبه برگزیدگان حق می‌داند. این گروه از اولیای الهی، از منظر روزبهان خود دارای مراتب و درجاتی هستند. قطب از منظر روزبهان، انسان برگزیده‌ای است که ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. با بررسی سیر کلی مقاماتی که روزبهان در مشرب‌الارواح دنبال می‌کند، آشکار می‌شود که قطب از یک‌سو از جمله مجذوبان درگاه الهی است و از سوی دیگر به سیر در مراتب سیر و سلوک پرداخته و منازل آن را پشت سر گذاشته است. نکته درخور توجه در باب قطب به‌عنوان آخرین مرتبه اولیای الهی آن است که پس از اینکه قطب با عبور از دیگر منازل سلوک به بالاترین مرتبه اولیا می‌رسد، سیر او در مدارج کمال پایان نمی‌پذیرد. قطب در هر زمان، مقاماتی را پشت سر می‌گذارد. این مقامات به ترتیب، عبارتند از: ۱. مقام تعلم الملائكة حقائق العلوم منهم، ۲. مقام نزول الملك علی قلوبهم، ۳. مقام رؤیة الملك علی صورته، ۴. مقام رؤیة ابلیس علی هیئته... آخرین مقام قطب، رسیدن به مرتبه «علم الاسماء الکلیة» است. در این مقام، قطب از راز تمامی اسمای حق آگاه می‌شود تا جایی که حتی سر اعظم را نیز فرامی‌گیرد. البته

روزبهان معتقد است همه آنچه در باب ویژگی‌هایی اقطاب بر زبان آورده است، فروع احوالی است که آنان با خدا دارند و بیان تمامی مراتب و مدارج آنان امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

روزبهان دیدگاه‌های پراکنده خود در باب مبانی سیر و سلوک عرفانی را در مشرب‌الارواح ساماندهی می‌کند. وی در این کتاب، به ارائه طرحتی جامع در باب مراحل سیر و سلوک می‌پردازد. روزبهان معتقد است سالک در سیرالی‌الله، منازل متعددی را پشت سر می‌گذارد و هزار مقامی که وی در این کتاب به معرفی و تشریح جوانب مختلف آن پرداخته است، نمودی از این مراحل است. تمامی مقام‌هایی که روزبهان در این کتاب از آن یاد می‌کند، از یک نوع نیست. تعداد زیادی از این مقامات، از مقوله مکاشفات و وقایع غیبی است. برخی نیز توصیه‌های اخلاقی - عبادی به سالکان است که با بهره‌برداری از آن می‌توانند به سیر در مدارج کمال پردازند.

طرحتی که روزبهان در مشرب‌الارواح در پیش می‌گیرد، ویژگی‌های درخور توجهی دارد که آن را از دیگر طبقه‌بندی‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، متمایز می‌کند. این طرح، تلفیقی از منازل سلوک و طبقات اولیاست. سیرالی‌الله، از منظر روزبهان با جذب آغاز می‌شود. پس از اینکه جذب حق نصیب سالک شد، سیر در مدارج کمال آغاز می‌شود. غالب منازلی که روزبهان در این طرح از آن‌ها یاد می‌کند، از جمله منازل تأثیرگذار در سیر و سلوک عرفانی است و به همین جهت، سالکی که به عبور از این منازل می‌پردازد، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که او را از دیگر رهروان متمایز می‌سازد. پس از اینکه سالک با استفاده از سلوک عملی به تزکیه نفس و مجاهده پرداخت، تحولی در اوصاف درونی او ایجاد می‌شود و این

تحول سرآغاز ارتقای مرتبه وجودی اوست. وصل از منظر روزبهان، حلقه واسطی است که منازل سیر و سلوک را به مراتب اولیا پیوند می دهد. به تعبیر دیگر، مراتبی را که روزبهان پس از وصل نام می برد، می توان از مراتب واصلان درگاه الهی دانست: نقبا، اصفیا، اولیا، نجبا، مصطفین، خلفا، بدلا و اقطاب. با توجه به اینکه روزبهان، حد و نهایتی برای سیر الی الله در نظر نمی گیرد، حتی برای شخصی که به وصل رسیده است نیز پایانی برای سیر در مدارج کمال قائل نمی شود؛ بلکه رسیدن به وصال حق، خود سرآغاز سیر دیگری است که معارف وجودی سالک را ارتقا می دهد.

پی نوشت ها

۱. در سده هفتم هجری، تحولی بنیادی و عمیق در عرفان اسلامی پدید آمد. در اثر این تحول، مبانی عرفانی دستخوش تغییر و دگرگونی شد؛ چندان که سنت تازه ای در عرفان اسلامی شکل گرفت و مرزبندی جدیدی در میان طریقه ها و مشرب های عرفانی به وجود آمد. در اثر این تحول، مرزهای جدیدی در قلمرو عرفان اسلامی شکل گرفت و مشرب های تازه ای ظهور یافت. این مشرب ها با طریقه های دیگر، در روش، رویکرد، غایت، موضوع و زبان، تفاوت اساسی داشتند. عده ای از معاصران، برای تبیین این تحول و شناخت ویژگی های دو سنت عرفانی پیش و پس از سده هفتم هجری، عرفان اسلامی را به دو بخش عملی و نظری تقسیم کرده اند. بنا بر مستندات و قرائن مختلف، مبنای عرفان اسلامی، بر پایه دو قوه نظری و عملی استوار شده و اندیشه و بینش عرفانی، کانون و هسته هر مشرب و طریقه عرفانی است و تفکیک این دو قوه از یکدیگر ممکن نیست. بررسی ها نشان می دهد که عرفان و تصوف در همه دوره ها، مبتنی بر دو قوه عملی و نظری است و بخشیدن صبغه صرفاً نظری یا عملی به آن، در هیچ دوره ای درست نیست. بر مبنای دو قوه نظری و عملی می توان عرفان اسلامی را به دو دوره یا سنت تقسیم کرد: دوره یا سنت اول عرفانی و دوره یا سنت دوم عرفانی. با تبیین ویژگی های دو سنت عرفانی، این مجال فراهم

می شود که سیر تحول و تطور عرفان اسلامی با روش علمی و منطبق با ماهیت عرفان اسلامی نقد و تحلیل شود (ر. ک: میرباقری فرد، ۱۳۹۱: ۶۵-۸۴).

۲. در متن حدیث، تعداد این دسته از برگزیدگان حق، پنج نفر است.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۲). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. دار الفکر. تهران.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۳). دفتر عقل و آیت عشق. جلد سوم. طرح نو. تهران.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (بی تا). حلیة الاولیاء. دار ام القراء. قاهره.
- ارنست، کارل. (۱۳۸۳). روزبهان بقلی: تجربه عرفانی و شطح ولایت در تصوف ایرانی. ترجمه و توضیحات کورس دیوسالار. امیرکبیر. تهران.
- ترمذی، محمد بن علی. (۱۴۲۲). ختم الاولیاء. تصحیح عثمان اسماعیل یحیی. چ ۲. مهد الآداب الشرقیه. بیروت.
- خواجه عبدالله انصاری، ابن محمد. (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه. تصحیح محمدسرور مولایی. توس. تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷). روزبهان نامه. سلسله انتشارات انجمن آثار ملی. تهران.
- روزبهان بقلی شیرازی، ابو محمد. (۲۰۰۸). تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن. تصحیح احمد فرید المزیدی. جلد ۳. دارالکتب العلمیه. بیروت.
- _____ (۱۳۸۱). رساله القدس. تصحیح جواد نوربخش. یلدا قلم. تهران.

- _____ (۱۳۶۶). *عبرالعاشقین*. تصحیح هانری کرین. مقدمه محمد معین. تهران. منوچهری.
- _____ (۱۴۲۶هـ). *مشرب الارواح*. تصحیح عاصم ابراهیم کیالی حسینی شاذلی درقاوی. دارالکتب العلمیه. بیروت.
- سلمی، ابو عبدالرحمن. (۱۳۶۹). *مجموعه آثار سلمی*. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
- سهروردی، شهاب الدین ابو حفص. (۱۳۷۵). *عوارف المعارف*. ترجمه ابو منصور اصفهانی. چ ۲. علمی و فرهنگی. تهران.
- شتیق بلخی (۱۹۷۳م). *آداب العبادات*. نصوص صوفیه غیر منشوره. به تحقیق و مقدمه یولس نویا یسوعی. دارالمشرق. ۲۳، ۱۹۰. بیروت.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۶). *تذکرة الاولیاء*. تصحیح محمد استعلامی. چ ۱۶. زوار. تهران.
- کلابادی، ابوبکر محمد بن ابراهیم. (۱۹۳۳). *التعرف لمذهب التصوف*. مطبعة السعادة. مصر.
- محاسبی، حارث. (۱۴۲۸هـ). *آداب النفوس*. مؤسسه الکتب الثقافیه. بیروت.
- مستملی بخاری، اسماعیل. (۱۳۶۳). *شرح التعرف لمذهب التصوف*. تصحیح محمد روشن. جلد ۵. اساطیر. تهران.
- میدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. ۱۰ جلد. چ ۵. امیر کبیر. تهران.

- میرباقری فرد، علی اصغر. (۱۳۹۱). «عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؟ تأملی در مبانی تصوف و عرفان اسلامی». پژوهش‌های ادب عرفانی (گوه‌ر گویا). سال ۶. ش ۲. صص ۶۵-۸۸
- نسفی، عزیزالدین بن محمد. (۱۳۸۶). *الانسان الکامل*. تصحیح و مقدمهٔ ماریژان موله. چ ۸ طهوری. تهران.
- _____ (۱۳۷۹). *بیان التنزیل*. تصحیح سیدعلی اصغر میرباقری فرد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. تهران.
- _____ (۱۳۸۱). *زبده الحقایق*. تصحیح و تعلیقات حق وردی ناصری. طهوری. تهران.
- _____ (۱۳۸۶). *کشف الحقایق*. تصحیح احمد مهدوی دامغانی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۶). *کشف المحجوب*. تصحیح محمود عابدی. چ ۳. سروش. تهران.
- یحیی بن معاذ رازی، ابوزکریا. (۱۴۲۳هـ). *جواهر التصوف*. تصحیح سعید هارون عاشور. مکتبه الآداب. قاهره.